

تأثیر مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر اندازه مؤسسه حسابرس

داور محمدی*¹، محمدرضا عسگری²، ایرج میرحسینی³

1. هیأت علمی دانشگاه پیام نور

2. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

3. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

دریافت: (1393/05/30) پذیرش: (1393/08/28)

State Ownership Effect on Audit Fees with Emphases on Audit Institution Size

Davar Mohammadi*¹, Mohammad Reza Asgari², Iraj Mirhosseini³

1. Faculty Payam Noor University

2. Assistant Professor, Islamic Azad University Rey

3. M.A. of Accounting, Islamic Azad University, South Tehran

Received: (2014/08/21) Accepted: (2014/11/19)

Abstract

State ownership is one of ownership structures that have main part of shares of public company in Iran. It seems to have paid less attention for this issue. Despite of advantages and disadvantages of this kind of ownership, state ownership has important role in companies' operational and financial strategies. To study the State ownership effect on audit fees with emphasize on size of audit institute is the aim of this research. For this purpose it is collected to analyzed 144 companies' data since 1387 to 1391. This research view point of purpose is applied research. Also view point of implementation is a description research of the type of correlation. Multiple regression models are used to test the hypotheses of research. The result of research showed that there is a meaningful and negative relationship between state ownership and audit fees in the level of 95% confidence. Also there is meaningful and positive relationship between institution size and audit fees. Finally state ownership has negative effect on relationship between audit institution size and audit fees. So that by increasing the amount of state ownership will be decreased the effect of audit institution size on audit fees.

Keywords

state ownership, audit fees, audit institution size

چکیده

یکی از ساختارهای مالکیتی که بخش عمده ای از سهام شرکت‌های سهامی عام در ایران را در اختیار دارد؛ مالکیت دولتی است که به نظر می‌رسد محققان کمتر به آن توجه داشته‌اند. جدای از بحث‌های مربوط به معایب یا مزایای این گونه مالکیت، حاکمیت شرکتی ناشی از مالکیت دولتی، نقش قابل توجهی در راهبردهای مالی و عملیاتی شرکت‌های سهامی دارد. هدف این تحقیق، بررسی تأثیر مالکیت دولتی بر حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر اندازه مؤسسه حسابرسی می‌باشد. تحقیق به لحاظ هدف، کاربردی است. به لحاظ اجراء، توصیفی و از نوع همبستگی است و در آزمون فرضیات تحقیق از مدل‌های رگرسیونی چندگانه بصورت داده‌های پانل استفاده شده است. در این پژوهش روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک بوده که 144 شرکت به‌عنوان نمونه در بازه زمانی سال‌های 1387 تا 1391 انتخاب شده است. نتایج تحقیق نشان داد در سطح اطمینان 95 درصد رابطه منفی و معنی‌داری میان درصد مالکیت دولتی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. همچنین رابطه مثبت و معنی‌داری میان اندازه مؤسسه حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. در نهایت مالکیت دولتی بر ارتباط بین اندازه مؤسسه حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تأثیر منفی دارد به طوری که با افزایش میزان مالکیت دولتی از تأثیر اندازه مؤسسه حسابرسی بر حق الزحمه آن کاسته می‌شود.

واژه‌های کلیدی

مالکیت دولتی، حق الزحمه حسابرسی، اندازه مؤسسه حسابرسی

مقدمه

استدلال دوم بر این پایه قرار دارد که شرکت‌های دولتی ممکن است منافعی را از طریق ارتباطات سیاسی بدست آورند. از جمله دسترسی آسان به منابع مالی (لویز و گی^۳، 2006)، ریسک مصادره کمتر (کوریا^۴، 2009) و کمک‌های مالی دولت در طول بحران‌های مالی (گول^۵، 2006). چن و همکاران (2008) نشان دادند که دولت برای جلوگیری از خروج شرکت‌های دولتی از بورس اوراق بهادار به آنها کمک‌های مالی مستقیم اعطا می‌کند. این کمک‌های مالی دولت باعث می‌شود که ریسک ورشکستگی شرکت‌های دولتی بطور بالقوه کاهش یابد و آنان نگرانی‌های کمتری را نسبت به دادخواهی سهامداران (در صورت ورشکستگی شرکت) دارند.

یکی دیگر از متغیرهایی که ممکن است بر میزان حق‌الزحمه حسابرسان تأثیرگذار باشد؛ اندازه موسسه حسابرسی است. استدلال می‌شود که حسابرسان بزرگ، به دلیل نگرانی‌هایی که در خصوص حفظ شهرت و اعتبار خود دارند؛ در برآورد ریسک حسابرسی، محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، حسابرسان بزرگ سعی می‌کنند که ریسک حسابرسی را در سطح بالایی تخمین بزنند و از این طریق ریسک عدم کشف تحریفات با اهمیت را کاهش دهند. این رویکرد هزینه‌های حسابرسی و در نتیجه حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد. این در حالی است که مؤسسات کوچک حسابرسی، شهرت و اعتبار کمتری دارند و نگرانی‌های آنها بیشتر مربوط به حفظ مشتریان در بازار رقابتی می‌باشد. از این جهت، آنان سعی می‌کنند که به طرق مختلف، دامنه رسیدگی‌ها را کاهش داده و حق‌الزحمه کمتری دریافت کنند (وانگ و اقبال^۶، 2009).

درخصوص تأثیر ساختار مالکیت بر جنبه‌های مختلف شرکت‌های سهامی و بازار سرمایه تحقیقات زیادی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. یکی از ساختارهای مالکیتی که بخش عمده‌ای از سهام شرکت‌های سهامی عام در ایران را در اختیار دارد؛ مالکیت دولتی است که به نظر می‌رسد محققان

دولت به‌عنوان اصلی‌ترین حامی اقتصاد هر کشور همواره نقش قیم را برای واحدهای اقتصادی در هر جامعه ایفا کرده است. دولت‌ها به دلیل در اختیار گرفتن قدرت تصمیم‌گیری در شرکت‌ها و پیاده‌کردن سیاست‌های کلان خود همواره یک سرمایه‌گذار بزرگ در کشورهای در حال توسعه و مخصوصاً ایران بوده است. جدای از بحث‌های مربوط به معایب یا مزایای این گونه مالکیت، باید این نکته در نظر گرفته شود که حاکمیت شرکتی ناشی از مالکیت دولتی، نقش قابل توجهی در راهبردهای مالی و عملیاتی شرکت‌های سهامی دارد. زیرا که به نظر می‌رسد سهامداران دولتی، نفوذ عمیق‌تر و مؤثرتری نسبت به سایر سهامداران در کنترل ارکان مختلف شرکت داشته باشند. این امر ممکن است به یکی از دلایل ذیل باشد:

1. نهادهای دولتی با توجه به اینکه منابع مالی زیادی در اختیار دارند، درصد بالاتری از سهام شرکت را تصاحب می‌نمایند و همین امر باعث می‌شود که حاکمیت قوی‌تری داشته باشند.
2. نهادهای دولتی به دلیل نفوذ سیاسی و اتصال به دولت (به عنوان نهاد حاکمیتی کشور) می‌توانند نظرات و آراء خود را در راهبری شرکت، اعمال نمایند.

عموماً این گونه تصور می‌شود که حضور مالکیت دولتی ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود. بخشی از این تغییر رفتار ممکن است ناشی از فعالیت‌های نظارتی که این سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند، باشد (فان و همکاران^۱، 2007). در خصوص واکنش حسابرسان به مالکیت دولتی و تأثیراتی که این نوع از مالکیت ممکن است بر حق‌الزحمه حسابرسی داشته باشد؛ می‌توان به دو استدلال ذیل دست یافت.

اول اینکه، مالکیت دولتی بطور بالقوه تعارضات نمایندگی در شرکت‌های سهامی را از طریق شفافیت کمتر اطلاعات و عدم استقلال مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی افزایش می‌دهد (فان و همکاران، 2007). شواهد تجربی نشان می‌دهند که شرکت‌های دولتی، اغلب اطلاعات مالی را دستکاری می‌کنند، دست به مدیریت واقعی فعالیت‌های عملیاتی می‌زنند و یا حسابرسان کوچک را جهت انجام رسیدگی‌ها انتخاب می‌کنند و این اعمال را در جهت پنهان نمودن رفتارهای فرصت‌طلبانه خود انجام می‌دهند (چن و همکاران^۲، 2008).

4. Correia,
5. Gul
6. Wang and Iqbal

1. Fan et al
2. Chen et al
3. Leuz and Oberholzer-Gee

حسابرسان با کیفیت‌تری را استخدام کنند. از سوی دیگر، مدیریت برای جلب رضایت بازار سرمایه، اقدام به استخدام حسابرسان خوش نام می‌کند (گنچارف، 2012).

دنيس و مک کونل (2003) مالکیت دولتی را این گونه تعریف کردند مالکیت دولتی نوع جالبی از تعدد سهامداران در عین تمرکز مالکیت است. در واقع نویسندگان بر این باورند که شرکت‌های دولتی، مالکان بسیاری دارند که در سراسر کشور پراکنده‌اند و در عین حال مدیریت آن به دست دولتمردان متمرکز شده است.

از دید نویسندگان، این سهامداران به دلیل سهم اندک از شرکت و نداشتن منفعت در جریان‌های نقدی شرکت به طور مستقیم، هیچ انگیزه شخصی برای نظارت بر مدیران ندارند. در نتیجه، به نوعی ریسک شرکت‌های دولتی را افزایش خواهند داد، اما عده‌ای اعتقاد دیگری دارند و بر این باورند که هزینه‌های نظارتی (حسابرسی) در شرکت‌های دولتی کمتر است. به دلیل اینکه دولت مردان با انگیزه حسن شهرت، بر مدیران نظارت کافی خواهند داشت و دیگر اینکه وجود مالکیت دولتی به نوعی سازوکار حمایت از سرمایه‌داران، به خصوص سرمایه‌داران اقلیت است (بن علی و لسیج، 2012).

بر این اساس مک و هیو (1998) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که وجود درصدی از مالکیت دولتی در شرکت‌ها، براساس نظریه علامت‌دهی، باعث افزایش ارزش این شرکت‌ها شده است. به واسطه ساختار دولتی اقتصاد ایران و همچنین نقشی که دولت به منزله سهامدار در بسیاری از شرکت‌ها برعهده گرفته است، انتظار می‌رود به دلیل مشخص بودن انتظارات عملیاتی و هماهنگی سیاست‌های مالکیتی، نوعی کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌هایی با سهامداری دولت فراهم آید که این کنترل بتواند از پیچیدگی‌های موجود در عملیات چنین واحدهای اقتصادی بکاهد. پس این احتمال وجود دارد که کاهش در پیچیدگی‌های عملیاتی یک واحد اقتصادی و کاهش ریسک شرکت، موجب کاهش حق الزحمه خدمات حسابرسی شود (رجبی و خشویی، 1387).

در تحقیقات دیگری خدادادی، قربانی، خوانساری (1393) دریافتند که در واقع ساختار مالکیت و انواع آن مانند کنترل خانوادگی، کنترل نهادی، کنترل دولتی و مدیریتی با تأثیرگذاری بر شدت مسئله نمایندگی، سطح حاکمیت شرکتی و ریسک حسابرسی، بر حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است.

کمتر به آن توجه داشته‌اند و اثرات این نوع مالکیت تاکنون ناشناخته مانده است.

در این خصوص لیو و سوبرامانیام (2013) تأثیر مالکیت دولتی و اندازه مؤسسه حسابرسی را بر حق الزحمه حسابرسی بررسی نمودند. آنها همچنین نوع مالکیت دولتی به لحاظ سازمان‌های دولت مرکزی و سازمان‌های دولت محلی را در ارزیابی‌های خود مورد توجه قرار دادند. نتایج نشان داد که شرکت‌های دولتی حق الزحمه کمتری پرداخت می‌کنند. همچنین مؤسسات حسابرسی بزرگتر در حسابرسی شرکت‌های دولتی با اندازه بزرگ، میزان حق الزحمه کمتری نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک دریافت می‌کنند.

همچنین نقش حسابرسان در اعتبار بخشی به اطلاعات مالی شرکت‌ها و جلوگیری از رفتارهای منفعت‌طلبانه مدیران امری است که اهمیت فزاینده‌ای در جهت حفظ حقوق سهامداران دارد. در این مقاله، حق الزحمه حسابرسی به عنوان معیاری از میزان رسیدگی‌های حسابرسان مورد نظر قرار گرفته و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه مالکیت دولتی و اندازه مؤسسه حسابرسی بررسی شده است.

پیشینه تحقیق

مطالعات بسیار زیادی در زمینه عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی انجام شده که هرکدام به بررسی جنبه‌های خاصی از آن پرداخته‌اند، اما مهمترین مطالعه‌ای که به دلیل پشتوانه نظری آن اساس سایر مطالعات قرار گرفته، مطالعه سایمونیک (1980) است. در مطالعه وی، حق الزحمه حسابرسی وابسته به نرخ هر ساعت کار حسابرسی و تعداد ساعات کار حسابرسی است که بسته به نظر حسابرس درباره پیش‌بینی ریسک خطا و اشتباه در صورت‌های مالی، متغیر است. وجود کنترل‌های قوی در شرکت، حسن شهرت مدیران، اندازه شرکت مورد رسیدگی و تعداد شرکت‌های فرعی، بر پیش‌بینی حسابرس از ریسک و ساعات مورد نیاز برای حسابرسی تأثیر می‌گذارد. در نهایت حسابرس به برآورد ریسکی می‌پردازد که از تمرکز مدیریت، شدت وجود مسئله نمایندگی و سایر عوامل نشئت می‌گیرد و با توجه به آن، کار حسابرسی را برنامه‌ریزی کرده و حق الزحمه خود را تعیین می‌کند (بن علی و لسیج، 2012). هپ (2012) بیان کرد که شدت مسئله نمایندگی، باعث افزایش ساعات کار حسابرسی می‌شود. سرمایه‌گذاران از شرکت‌هایی که در ساختار مالکیت آنها نشانه‌هایی از مسئله نمایندگی به چشم می‌خورد، انتظار دارند

موضوع دارند که انواع مالکان با توجه به انگیزه‌ها و اهداف مختلفی که برای سرمایه‌گذاری در یک شرکت دارند، می‌توانند تأثیرات متفاوتی بر میزان حق‌الزحمه درخواستی حسابرسان داشته باشند. زیرا حسابرسی یک هزینه نظارتی تلقی شده و حسابرسان برای تعیین حق‌الزحمه حسابرسی، میزان مشکلات نمایندگی بالقوه شرکت‌ها را نیز مورد توجه قرار می‌دهند.

بن‌علی و لسیج (2012) به بررسی رابطه بین نوع سهامداران کنترل‌کننده و حق‌الزحمه حسابرسی پرداختند. آنان سهامداران کنترل‌کننده را به سه دسته سهامداران نهادی، سهامداران خانوادگی و سهامداران دولتی تقسیم کردند. نتیجه پژوهش آنها نشان داد که رابطه معناداری بین مالکیت خانوادگی و حق‌الزحمه حسابرسی وجود ندارد، اما بین مالکیت دولتی و نهادی و حق‌الزحمه حسابرسی، رابطه معنادار و مثبتی دیده می‌شود.

علوی طبری و همکاران (1390) اثر مکانیزم‌های نظام راهبری را بر حق‌الزحمه حسابرسی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که دو عامل درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه‌دولتی و نوع حسابرس با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه مستقیم دارد. اما متغیرهایی مانند اندازه شرکت، نسبت جاری، تغییر حسابرس، درصد مالکیت سهامدار عمده، نسبت مدیران غیرموظف، میزان سهام شناور، نوع اظهارنظر حسابرس رابطه‌ای معنی‌دار با حق‌الزحمه حسابرسی ندارند.

نوع مالکیت مؤسسه حسابرسی نیز مؤید تأثیر نقش بخش دولتی و عمومی بر حق‌الزحمه‌های حسابرسی مالی است. هنگامی که حسابرس از بخش خصوصی انتخاب نشده حق‌الزحمه افزایش یافته است و نسبت به سایر متغیرها ضریب افزایش قابل توجه‌ای نیز داشته است این نتیجه در ایران مطابق با تحقیقات انجام گرفته در کشورهای پیشرفته بوده است (چوی و سایرین).

•

• فرضیات تحقیق

با توجه به مباحث مطرح شده، فرضیه‌های تحقیق حاضر به صورت ذیل قابل تبیین می‌باشند:

فرضیه اول: مالکیت دولتی بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه دوم: اندازه مؤسسه حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.

فرضیه سوم: مالکیت دولتی بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر دارد.

مسئله تضاد منافع بین مالکان و مدیران، در کشورهایی با قانون مدنی خاص مثل ایران و اکثر کشورهای در حال توسعه، به دلیل ضعف در قوانین حمایت از سرمایه‌گذاران، بیشتر از کشورهایی با قانون عرفی مثل آمریکا دیده می‌شود. با توجه به اینکه نیاز اطلاعاتی سهامداران متفاوت است، بنابراین به دست آوردن سطوح مختلف اطمینان بخشی و کیفیت حسابرسی، حق‌الزحمه متفاوتی رامی‌طلبد. بن‌علی و لسیج (2012) مطالعات پیشین در کشور ایران، تأثیر عواملی چون، حجم عملیات اندازه شرکت، پیچیدگی عملیات شرکت، نوع مؤسسه حسابرسی و تورم بر حق‌الزحمه حسابرسی را اثبات کرده‌اند، اما هدف از این پژوهش بررسی تأثیر عوامل ساختار مالکیتی چون، مالکیت خانوادگی، مالکیت نهادی، مالکیت دولتی و مالکیت مدیریتی بر حق‌الزحمه حسابرسی است.

نتایج پژوهش نشان داد که نتایج پژوهش حاکی از ارتباط معنادار بین مالکیت دولتی و حق‌الزحمه حسابرسی است. با توجه به منفی بودن این رابطه می‌توان گفت حسابرسان در کشور ایران معتقدند که هزینه‌های نظارتی در شرکت‌های دولتی کمتر است؛ چرا که دولت مردان با انگیزه حسن شهرت، بر مدیران نظارت کافی خواهند داشت. به بیان دیگر می‌توان گفت، به دلیل ساختار دولتی اقتصاد ایران، حسابرسان انتظار دارند به واسطه مشخص بودن انتظارات عملیاتی و هماهنگی سیاست‌های مالکیت، نوعی کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌هایی با مالکیت دولتی فراهم آید که این کنترل، از پیچیدگی‌های موجود در عملیات چنین واحدهای اقتصادی بکاهد. بنابراین کاهش در پیچیدگی‌های عملیاتی یک واحد اقتصادی و کاهش ریسک شرکت، موجب کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. این نتیجه با یافته‌های مطالعه بن‌علی و لسیج (2012) مطابقت دارد. در بررسی‌های صورت گرفته دیگری توسط (ملکیان، اسفندیار و بیتا نیکروان فرد، 1392) در ارتباط با این پرسش که آیا ماهیت مالکیت، حق‌الزحمه حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟ انواعی از مالکیت‌ها مورد بررسی قرار داده شد. بدین منظور شواهدی را از نتایج تحقیقات انجام گرفته توسط سایر محققین و همچنین مبانی نظری مربوطه ارائه کردند که ساختار مالکیت یکی از عوامل اصلی و بسیار مهم حاکمیت شرکتی و از جمله مکانیزم‌های خارجی حاکمیت شرکتی محسوب می‌گردد و تعیین‌کننده میزان مشکلات نمایندگی است. حضور و تمرکز انواع مختلف مالکیت در شرکت می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر میزان مشکلات نمایندگی در شرکت داشته باشد. تمامی این موارد اشاره به این

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی است و در آن از روش همبستگی استفاده می‌شود. همچنین از نظر زمانی، نوعی تحقیق پس‌رویدادی است و در زمره تحقیقات تجربی حسابداری دسته‌بندی می‌شود. قلمرو مکانی انجام تحقیق، محدود به کشورمان ایران می‌باشد. قلمرو زمانی تحقیق یک دوره پنج‌ساله (1387-1391) بوده و نمونه‌گیری از طریق روش حذف سیستماتیک انجام شده است و نمونه متشکل از شرکت‌هایی است که حائز تمامی شرایط زیر می‌باشند.

1) در طول سال‌های مالی 1386 تا 1391 در بورس حضور داشته‌اند.

2) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و بیمه‌ها نباشند.

3) تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند می‌باشد.

4) تعداد شرکت‌هایی که در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداده‌اند.

5) نماد معاملاتی آنها فعال بوده و توقف نماد معاملاتی بیش از 6 ماه نداشته باشند.

6) در همه سال‌های مورد بررسی در پایان سال مالی اطلاعات و داده‌های موردنیاز آنها در دسترس باشد.

با توجه به اعمال معیارهای بالا، 144 شرکت جامعه مورد نظر این تحقیق را تشکیل می‌دهند. که همین شرکت‌ها به عنوان نمونه تحقیق برگزیده شدند. همچنین به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها، از بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده شده است.

مدل آزمون فرضیه‌های تحقیق

مدل شماره 1 برای آزمون فرضیه اول

$$\text{Logfee}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Gov}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{ROA}_{it} + \beta_4 \text{Lev}_{it} + \epsilon_{it}$$

مدل شماره 2 برای آزمون فرضیه دوم

$$\text{Logfee}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{AuditSize}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{ROA}_{it} + \beta_4 \text{Lev}_{it} + \beta_5 \text{Opinion}_{it} + \epsilon_{it}$$

مدل شماره 3 برای آزمون فرضیه سوم

$$\text{Logfee}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{AuditSize}_{it} + \beta_2 \text{Gov}_{it} + \beta_3 \text{AuditSize} * \text{Gov}_{it} + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{ROA}_{it} + \beta_6 \text{Lev}_{it} + \beta_7 \text{Opinion}_{it} + \epsilon_{it}$$

Logfee: لگاریتم طبیعی حق الزحمه پرداخت شده به حسابرس.
Gov: درصد مالکیت دولتی.

Size: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت.

ROA: بازده دارایی‌ها (سود خالص تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها).

Lev: اهرم مالی (نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها).

Opinion: نوع اظهار نظر حسابرس (یک متغیر دوحالته که چنانچه اظهار نظر حسابرس در سال مورد نظر مشروط یا مردود باشد؛ مقدار آن یک و چنانچه مقبول باشد؛ مقدار آن صفر می‌باشد (به عنوان متغیر کنترل)

AuditSize: اندازه مؤسسه حسابرسی (لگاریتم طبیعی تعداد کارکنان مؤسسه)

• نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق

• آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نتایج ارائه شده در جدول شماره 1 نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی بیشتر شرکت‌ها، پایین‌تر از متوسط بوده است. همچنین، انحراف معیار متغیر حق الزحمه حسابرسی از میانگین آن پایین‌تر می‌باشد. این یافته حاکی از عدم وجود نوسانات قابل توجه در داده‌های این متغیر می‌باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهند که بطور متوسط، 43/8 درصد از مالکیت شرکت‌های نمونه آماری در اختیار نهادها و سازمان‌های دولتی بوده است. همچنین، مقدار حداقلی این متغیر صفر می‌باشد که نشان می‌دهد، در ساختار مالکیت برخی از شرکت‌های نمونه آماری، مالکیت دولتی وجود نداشته است. یافته‌ها در خصوص اندازه مؤسسه حسابرسی، اندازه شرکت، نسبت بازده دارایی‌ها و اهرم مالی نشان می‌دهد که انحراف معیار این متغیرها از میانگین بدست آمده برای آنها کمتر است. این یافته نشان می‌دهد که توزیع داده‌های این متغیرها دارای نوسات پایین است. در خصوص متغیرهای مجازی، نتایج حاکی از این است که به‌طور

نتایج، سطح معنی‌داری بدست آمده از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای متغیر وابسته، بیشتر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) است و فرض نرمال بود متغیر وابسته پذیرفته می‌شود.

• نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول در فرضیه اول تحقیق پیش‌بینی شده است که بین درصد مالکیت دولتی با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباط منفی وجود دارد. برای آزمون این موضوع از مدل شماره 1 بهره گرفته شده است.

میانگین، در حدود 7 درصد از شرکت‌های نمونه آماری در طول دوره تحقیق، زیان‌ده بوده‌اند. همچنین، در حدود 57 درصد از اظهارنظرهای حسابرسی در خصوص شرکت‌های نمونه آماری، مطلوب بوده است و نزدیک به 22 درصد از شرکت‌ها توسط سازمان حسابرسی، مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند.

بررسی نرمال بودن متغیر وابسته

در این تحقیق برای بررسی نرمال بودن داده‌های متغیر وابسته از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است. باتوجه به

جدول 1. تحلیل توصیفی متغیرهای به‌کاررفته در مدل آزمون فرضیه‌های تحقیق

متغیر	آماره‌ها	تعداد مشاهدات	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
حق‌الزحمه حسابرسی	864	7/834	10/504	4/483	1/239	
درصد مالکیت دولتی	864	0/438	0/927	0/000	0/519	
اندازه موسسه حسابرسی	864	5/054	6/791	1/948	0/806	
اندازه شرکت	864	13/751	18/129	9/736	1/093	
نسبت بازده دارایی‌ها	864	0/185	0/811	-0/382	0/507	
اهرم مالی	864	0/638	1/107	0/132	0/983	
شدت سرمایه‌گذاری	864	0/142	0/697	0/000	0/274	
زیان‌ده بودن	864	0/07	1	0	0/186	
نوع اظهار نظر حسابرس	864	0/575	1	0	0/408	
متغیر مجازی سازمان حسابرسی	864	0/224	1	0	0/379	

جدول 2. آزمون نرمال بودن متغیر وابسته

متغیر وابسته	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
حق‌الزحمه حسابرسی	0/036	870	0/200

جدول 3. نتایج تحلیل آماری برای آزمون فرضیه اول

$Logfee_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Gov_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \epsilon_{it}$				
متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی داری	VIF
C	0/3357	19/076	0/0000	-
Gov	-0/0013	-7/838	0/0000	1/274
Size	0/0275	2/137	0/0047	1/435
ROA	0/0001	1/073	0/1412	2/836
LEV	-0/0897	-0/541	0/6241	1/363
ضریب تعیین	0/4499	ضریب تعیین تعدیل شده	0/3908	
آماره F لیمر (P-Value)	0/868 (0/8528)	آماره هاسمن (P-Value)	-	
آماره F مدل (P-Value)	1/682 (0/0000)	آماره Jarque - Bera (P-Value)	0/218 (0/3247)	
آماره Breusch-Pagan (P-Value)	0/613 (0/7450)	آماره Durbin-Watson	2/081	

که با افزایش میزان مالکیت دولتی شرکت‌ها حق الزحمه حسابرسی بصورت معنی‌داری کاهش می‌یابد. در نتیجه فرضیه اول تحقیق در سطح اطمینان 95٪ تأیید می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم در فرضیه دوم تحقیق پیش‌بینی شده است که بین اندازه موسسه حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت وجود دارد. برای آزمون این موضوع از مدل شماره 2 استفاده شده که نتایج آن به شرح جدول 4 می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر و هاسمن، مدل به صورت داده‌های پانل و از طریق روش اثرات ثابت برآورد شده و از آنجایی که سطح معنی‌داری آماره F برای مدل کمتر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) می‌باشد معنی‌داری کل مدل در سطح اطمینان 95 درصد تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز 0/1624 بوده و حاکی از این است که مدل توانسته 16/24 درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های نمونه آماری را از طریق متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین نماید. همچنین، نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات رگرسیون شامل جارکیو برا، برش پاگان، دوربین واتسن و VIF مؤید تأیید شدن تمامی این مفروضات می‌باشد. در تفسیر نتایج

با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر، از آنجایی که مقدار P-Value این آزمون بیشتر از 0/05 می‌باشد (0/8528)، ناهمسانی عرض از مبداهای مدل رد شده و در سطح اطمینان 95٪ می‌توان از روش داده‌های ترکیبی استفاده نمود. در این ارتباط با توجه به استفاده از روش داده‌های ترکیبی دیگر نیازی به انجام آزمون هاسمن نخواهد بود. سطح معنی‌داری آماره F برای مدل نیز کمتر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) بوده و بیانگر این است که رگرسیون برآورد شده به لحاظ آماری معنی‌دار و روابط بین متغیرهای تحقیق، خطی می‌باشند. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز 0/3908 بوده و حاکی از این است که مدل توانسته 39/08٪ از تغییرات حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های نمونه آماری را از طریق متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین نماید. همچنین، نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات رگرسیون شامل جارکیو برا، برش پاگان، دوربین واتسن و VIF مؤید تأیید شدن تمامی این مفروضات می‌باشد. در تفسیر نتایج فرضیه اول نیز از آنجایی که ضریب برآوردی برای متغیر Gov (درصد مالکیت دولتی) برابر 0/0013- بوده و سطح معناداری آن کمتر از 0/05 می‌باشد (0/0000) بنابراین می‌توان گفت در سطح اطمینان 95 درصد رابطه منفی و معنی‌داری میان درصد مالکیت دولتی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد بطوری

دارد به طوری که با افزایش اندازه مؤسسات حسابرسی، حق الزحمه آنها نیز افزایش می‌یابد، در نتیجه فرضیه دوم تأیید می‌شود.

فرضیه دوم نیز از آنجایی که ضریب برآوردی برای متغیر *AuditSize* (اندازه موسسه حسابرسی) برابر 0/0090 بوده و سطح معناداری آن کمتر از 0/05 می‌باشد (0/0000). بنابراین می‌توان گفت در سطح اطمینان 95٪ رابطه مثبت و معنی‌داری میان اندازه موسسه حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی وجود

جدول 4. نتایج تحلیل آماری برای آزمون فرضیه دوم

$$\text{Logfee}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{AuditSize}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{ROA}_{it} + \beta_4 \text{Lev}_{it} + \beta_5 \text{Opinion}_{it} + \epsilon_{it}$$

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی داری	VIF
C	0/4120	13/290	0/0000	-
<i>AuditSize</i>	0/0090	3/108	0/0000	1/462
<i>Size</i>	0/0198	2/274	0/0007	2/130
<i>ROA</i>	0/0002	1/361	0/1736	1/720
<i>LEV</i>	-0/0766	-0/770	0/5701	1/935
<i>Opinion</i>	0/0039	1/087	0/1059	1/923
ضریب تعیین	0/1678	ضریب تعیین تعدیل شده	0/1624	
آماره F لیمر (P-Value)	18/885 (0/0000)	آماره هاسمن (P-Value)	20/570 (0/0045)	
آماره F مدل (P-Value)	1/715 (0/0000)	آماره Jarque-Bera (P-Value)	4/742 (0/0933)	
آماره Breusch-Pagan (P-Value)	2/949 (0/0557)	آماره Durbin-Watson	1/973	

و *P-Value* آن (0/0012)، در برآورد می‌بایست روش اثرات ثابت به کار برده شود.

با توجه به جدول 8 سطح معنی‌داری آماره F برای مدل کمتر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) بوده و بیانگر این است که رگرسیون برآورد شده به لحاظ آماری معنی‌دار و روابط بین متغیرهای تحقیق، خطی می‌باشند. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز 0/2751 بوده و حاکی از این است که مدل توانسته 27/51 درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرسی شرکت‌های

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

در فرضیه سوم تحقیق ادعا شده است که میزان مالکیت دولتی بر ارتباط بین اندازه موسسه حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی تأثیر منفی دارد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه در جدول شماره 5 آمده است. با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر، از آنجایی که مقدار *P-Value* این آزمون کمتر از 0/05 می‌باشد (0/0000)، لازم است در برآورد مدل از روش داده‌های پانل استفاده شود. همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون هاسمن

نمونه آماری را از طریق متغیرهای مستقل و کنترل‌ی تبیین نماید. جارکیو برا، برش یاگان، دوربین واتسن و VIF مؤید تأیید شدن همچنین، نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات رگرسیون شامل تمامی این مفروضات می‌باشد.

جدول 5. نتایج تحلیل آماری برای آزمون فرضیه سوم

$$Logfee_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AuditSize_{it} + \beta_2 Gov_{it} + \beta_3 AuditSize * Gov_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 Lev_{it} + \beta_7 Opinion_{it} + \epsilon_{it}$$

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی داری	VIF
C	0/3824	14/084	0/0000	-
AuditSize	0/0084	3/708	0/0000	1/571
Gov	-0/0017	-6/534	0/0000	1/283
AuditSize*Gov	-0/0008	2/834	0/0076	1/671
Size	0/0274	3/007	0/0001	1/557
ROA	0/0011	1/541	0/0976	1/243
LEV	-0/0667	-0/748	0/5973	1/259
Opinion	0/0057	1/291	0/1187	1/745
ضریب تعیین	0/2894	ضریب تعیین تعدیل شده	0/2751	
آماره F لیمر (P-Value)	18/885 (0/0000)	آماره هاسمن (P-Value)	20/570 (0/0012)	
آماره F مدل (P-Value)	2/826 (0/0000)	آماره Jarque-Bera (P-Value)	3/674 (0/1592)	
آماره Breusch-Pagan (P-Value)	0/530 (0/6621)	آماره Durbin-Watson	2/138	

جهت تصمیم‌گیری در خصوص فرضیه سوم نیز متغیر $AuditSize * Gov$ مورد توجه قرار می‌گیرد. در این ارتباط با توجه به این که ضریب این متغیر منفی بوده (0/0008-) و سطح معناداری آن کمتر از 0/05 می‌باشد (0/0076) می‌توان گفت که مالکیت دولتی بر ارتباط بین اندازه موسسه حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تأثیر منفی بطوری که با افزایش میزان مالکیت دولتی از تأثیر اندازه مؤسسه حسابرسی بر حق الزحمه آن کاسته می‌شود.

- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق رابطه منفی و معنی-داری میان درصد مالکیت دولتی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. این یافته با مبانی نظری تحقیق و با ادعای مطرح شده در فرضیه اول سازگار است. به نظر می‌رسد که مالکان دولتی

در تفسیر نتایج مدل نیز ضریب برآوردی متغیر $AuditSize$ (اندازه موسسه حسابرسی) برابر 0/0084 بوده و سطح معناداری آن کمتر از 0/05 می‌باشد (0/0019) بنابراین می‌توان گفت در سطح اطمینان 95 درصد رابطه مثبت و معنی‌داری میان اندازه موسسه حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد بطوری که با افزایش اندازه مؤسسات حسابرسی، حق الزحمه آنها نیز بصورت افزایش می‌یابد. همچنین ضریب برآوردی متغیر Gov (درصد مالکیت دولتی) برابر -0/0017 بوده و سطح معناداری آن از 0/05 کمتر می‌باشد (0/0000) بنابراین می‌توان گفت در سطح اطمینان 95 درصد رابطه منفی و معنی‌داری میان درصد مالکیت دولتی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد بطوری که با افزایش میزان مالکیت دولتی شرکت‌ها حق الزحمه حسابرسی بصورت معنی‌داری کاهش می‌یابد.

شرکت‌های نمونه آماری، نقش مورد انتظار خود را به نحو مطلوب ایفا کرده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از آن باشد که مالکان دولتی، به حفظ منافع خود در شرکت‌ها اهمیت می‌دهند و برای ایفای چنین نقشی، تخصص کافی را دارد. به مالکان و سهامداران بخش دولتی توصیه می‌شود که به راهبردهای مدیران شرکت‌ها، درخصوص میزان حق‌الزحمه پرداختی به حساب‌رسان شرکت، توجه نموده و سیاست‌های موردنظر خود را در این خصوص اعمال نمایند تا نقش مورد انتظار سهامداران اقلیت، در راستای حفظ منافع شرکت در حوزه فرآیند حسابرسی، تأمین شود. همچنین رابطه مثبت و معنی‌داری میان اندازه موسسه حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد. طبق مبانی نظری و تجربی تأکید دارند که مؤسسات حسابرسی بزرگتر، کیفیت حسابرسی بالاتری داشته‌اند که این امر ناشی از گسترده‌تر بودن فرآیند حسابرسی انجام شده توسط آنان است که منجر به پرداخت حق‌الزحمه‌های بیشتری می‌شود. می‌توان گفت شرکت‌های نمونه آماری تمایل داشته‌اند که به مؤسسات حسابرسی بزرگتر، حق‌الزحمه بیشتری پرداخت نمایند. زیرا که صرفنظر از دامنه رسیدگی‌ها، بخشی از حق‌الزحمه دریافت شده توسط مؤسسات، توافقی است و این امر نشان می‌دهد که این شرکت‌ها برای کیفیت کار حساب‌رسان اهمیت قائل شده‌اند.

در نهایت مالکیت دولتی بر ارتباط بین اندازه موسسه حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر منفی به طوری که با افزایش میزان مالکیت دولتی از تأثیر اندازه موسسه حسابرسی بر حق‌الزحمه آن کاسته می‌شود. این‌گونه استدلال می‌شود مالکیت دولتی این امکان را به شرکت‌ها بدهد که بتوانند مؤسسات حسابرسی بزرگ را با حق‌الزحمه پایین به خدمت بگیرند و در راستای جبران چنین خدماتی به آنها مزایا و منافع مبتنی بر حمایت دولتی اعطا نمایند. به مدیران شرکت‌های دارای مالکیت دولتی توصیه می‌شود که در توافقاتی که با مؤسسات حسابرسی در خصوص حق‌الزحمه انجام می‌دهند؛ به ساختار مالکیت شرکت نیز توجه داشته باشند.

منابع

- رجبی، ر. و محمدی خشوئی، ح. (1387). "هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، 53 (3).
- علوی، ح. و یوسفی اصل، ف. (1391). "مساله نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل آزمونی مبتنی بر فرضیه جریان نقد آزاد". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، 19 (2).
- نیکبخت، م. و تنانی، م. (1389). "آزمون عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی". فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، 2 (2).
- Chen, X., Lee, C.-W.J., Li, J., (2008). "Government assisted earnings management in China". *Journal of Accounting and Public Policy*, 27 (3).
- Correia, M.M., (2009). "Political connections sec enforcement and accounting quality". *SSRN eLibrary*.
- Fan, J.P.H., Wong, T.J., Zhang, T., (2007). "Politically connected CEOs, corporate governance, and Post-IPO performance of China's newly partially privatized firms". *Journal of Financial Economics*, 84 (2).
- Gul, F.A., (2006). "Auditors' response to political connections and Cronyism in Malaysia". *Journal of Accounting Research*. 44 (5).
- Leuz, C., Oberholzer-Gee, F., (2006). "Political relationships, global financing, and corporate transparency: evidence from Indonesia". *Journal of Financial Economics*. 81 (2).
- Liu, N. Subramaniam (2013). "Government ownership, audit firm size and audit pricing: Evidence from China. J. Account". *Public Policy*. 32.
- Wang, K., O, S., Iqbal, Z. (2009). "Audit pricing and auditor industry specialization in an emerging market: evidence from China". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*. 18 (1).